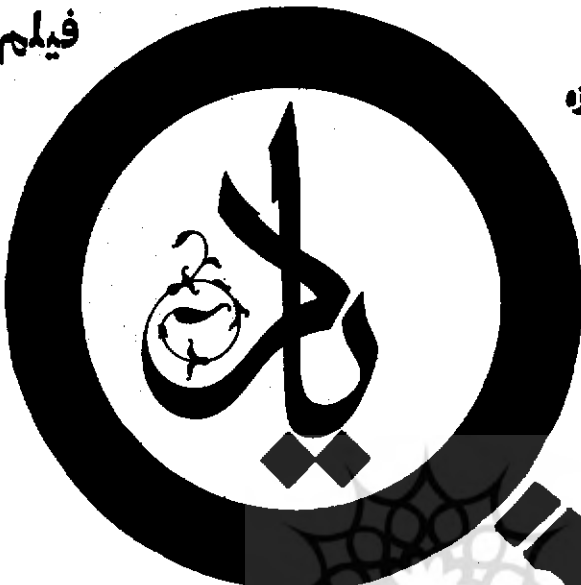


فیلم



مجله حوزه

کتابخانه

سرویس

اطلاعات

کیهان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

یاد در آئینه

مطبوعات



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



با اینکه آرام و بی صدا و با تیراژ کم و با عجله و پراز نایسامانی موجودیت خود را اعلام کردیم روزنامه های معتبر و نشریه های فرهنگی و هنری، لطفشان را دریغ نکردند و بهر ترتیب یادمان کردند و دلمان دادند تا در حرکت، نایسامانی ها را سامان بدهیم و اشتباهات را اصلاح کنیم. مجلهٔ وزین و ارجمند حوزه و مجلهٔ خوب و ارجمند "فیلم" روزنامهٔ پر سابقه و آبرو مند "اطلاعات" و نشریهٔ فرهنگی ماندنی و پرازش "کیهان فرهنگی"، مجلهٔ خوب و زیبا و پر طرفدار "سروش" سرپرست شایسته صدا و سیما و مدیر انسان و کارکنان و هنرمندان و متخصصین و کارآزمودگانش هم "یاد" مان کردند و هم از هیچ کمکی دریغ نورزیدند.

این کمترین وظیفهٔ ماست که از همه شان تشکر کنیم و "یاد" آوریم و یاریهایشان را سپاس بگوییم.

**نشریه**  
**«یاد»**  
از گذشته ها سخن می گوید

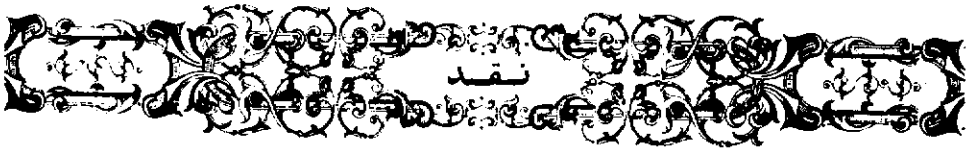
جهاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران اخیراً دست به انتشار مجسمه ای فرهنگی زده است. اولین شماره از این مجسمه با عنوان «یاد» به زیر چاپ در آمده است که در حقیقت باغچه و فصلنامه ای است که می خواهد ایران با به ایرانی و اسلام را به مسلمانان و انقلاب اسلامی را به شهیدان و شهیدان، و عاشقان و پاسداران حرمت و حیثیت و شرف انسانی بلا آوری کند.

و بنابر آنچه که در مقدمه این فصلنامه آمده است، «یاد» هشدار می دهد که هر چه بر این خاک رفت است و می رود هر چه از این خاک رسیده است و می رود... همه و همه با زلال سرخ خون شهیدان فرا چنگ آمده است.

در اولین شماره از مجسمه فرهنگی، تاریخی نشریهٔ «یاد» شاهد عناوینی چون «تاریخ در قرآن، شرح حال نگاری، ریشه یابی و تحلیل فرآیندهای استعماری در ایران، چهره های بسیار بران هیچ از پیش فرهنگی - هنری، خاطره و خاطرات و اولین ما و آخرها و حرف آخر» هستیم.

و همانطور که از عنوان این مجسمه بر می آید «یاد» نشریه ای است فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، هنری و تاریخی. فصلنامه «یاد» در ۱۶۶ صفحه، از سری بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران به بازار علم و ادب عرضه گردید است.





از این خاک رسته است  
 و می روید... همه همه با زلال  
 سرخ خون شهیدان، فرا جنگ آمده  
 است و می آید... (مقدمه)

بدینسان، «بنیاد تاریخ» در پی  
 تبیین و تفسیر تاریخ انقلاب اسلامی  
 ایران است، و «باد» تلاش و کوششی  
 برای هموار ساختن این راه،  
 و جایگاه مناسبی است برای تبادل  
 اندیشه‌ها، برخورد فکرها، طرح  
 مسائل و تجربه‌ها و... پیرامون  
 «تاریخ انقلاب اسلامی ایران».

ما بنیان «بنیاد تاریخ» را  
 می ستایم، و بر هوشمندی و آگاهی  
 بنیان‌گذاران آن، درود می فرستیم  
 و انتشار فصلنامه را با مقالات وزین  
 و سودمند ارج می نهیم و از خداوند  
 بزرگ می خواهیم که  
 دست اندرکاران این حرکت شایسته  
 و بیجا، سختکوش و استوار گام  
 بردارند و در تبیین و تشریح و نگارش  
 کار سترگ این امت بیدار، و  
 رهبری و هدایتگری رهبر بزرگ و  
 عظیم الشان آن موفق شوند. با  
 اینهمه نکاتی را در ارتباط با  
 «فصلنامه» یادآوری می کنیم که  
 امید است مفید افتد.

«فصلنامه» با سرمقاله‌ای  
 می آغازد، که با نثری دشوار، اقا  
 زبیا، دیدگاه «مجله» را در ارتباط  
 با «ایران»، «ایرانی» و «انقلاب»

# بیدار

## بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران

سال اول. شماره اول. زمستان ۱۳۶۴

اخیر بشکافد و بررسی کند...  
 و «باد» فصلنامه‌ای است که  
 می خواهد «ایران را به ایرانی،  
 اسلام را به مسلمانان و انقلاب  
 اسلامی» را به شاهدان و شهیدان،  
 و عاشقان و پیاسداران حرمت  
 و حیثیت و شرف انسانی یادآوری  
 کند و هشدار دهد که هر چه بر این  
 خاک رفته است و می رود، هر چه

«باد» به همت «بنیاد» تازه  
 بنیان «تاریخ انقلاب اسلامی  
 ایران» انتشار یافته است. «بنیاد  
 تاریخ انقلاب اسلامی ایران» به  
 «آرزوی دست یافتن به تاریخ  
 راستین مسلمان ایرانی است که  
 بنیان یافته است» و امیدوار است  
 «تاریخ واقعی زندگی و رنج و تلاش  
 این مردم ستم‌دیده را در ربع قرن



## نقد

باز کرده است. آنگاه با تعریفی گذرا از «بنیاد» جایگاه «مجله» را در این مجموعه نشان داده است، که در هر دو قسمت به شایستگی و بایستگی سخن رانده شده است.

سرمقاله اولین شماره باید بروشنی، بنیاد تاریخ را معرفی می‌کرد، و اهداف مجله را تبیین نموده، دیدگاه‌های آن را به اختصار باز می‌گفت، تا خواننده با نگرستن به آن درمی‌یافت که چه متاعی در دست دارد، و این مجله در میان سیل روزافزون و تکرار مکررات مجلات «چه محلی از اعراب دارد».

بگذاریم از نقّش بیش از حد در عبارات، که گاه محتوا را گنگ کرده و مآلاً مقاله از تبیین هدف باز مانده است.

در بخش نظری مقاله خوب و مفید «قرآن و تاریخ» را می‌خوانسیم، و در صفحه ۳۳ تصویربست، نشانگر لحظه‌ای تاریخی و فراموش ناشدنی، بسیار بجای، با نثری شیرین در توضیح آن. در بخش رجال، مقاله سودمند و تحقیقی «سیر تاریخی شرح حال-نگاری مسلمین» است با تحلیلی پیراهون برخی از آثار موجود در این زمینه.

در بخش سیاسی اقتصادی «ریشه‌یابی و تحلیل قراردادهای استعماری در ایران» است و پس از آن اسنادی آمده است بدون هیچگونه توضیح و تفسیری درباره آنها.

بخش فرهنگی هنری، شامل نقد و تحلیل فیلمی است توطئه گر و ستیز جویانه با اسلام از دوران طاغوت با پیش درآمدی جالب از ریشه و سوزده آن در ادبیات غرب، و بالأخره با عنوان «اولین‌ها و آخرین‌ها» برخورد می‌کنیم، که گویا به انگیزه نشان دادن، اولین و آخرین، گامها در حوادث و... تدوین می‌یابد، و این شماره نشانگر اولین «مصاحبه امام» است در سال/۱۳۳۱.

در همینجا این نکته گفتنی است که بلافاصله پس از عنوان، متن خبر منتشر شده در آن زمان آمده است که این مصاحبه در ضمن آن است بدون تیرا، و بدون آنکه مصاحبه مشخص شود، اقا با توضیحی در پایان!!!

پس از اینها «میزگردی» است پیراهون «خاطره و خاطرات» با محتوایی مفید، اقا به پندار ما در این شماره نه بجای بود و نه بهنگام. و بالأخره «حرف آخر» است به عنوان دعوتی عام برای «نگارش

تاریخ انقلاب اسلامی ایران». این را هم ناگفته نگذاریم که فهرست گویا نیست، و در مجله‌ای که مقالاتی دارد علمی، تخصصی و طولانی، خوب است فهرستی گویاتر تدوین شود. و غلطهای بسیار جایی مجله و جاافتادگیهای آن، با توضیحی در یک برگه آمده است که گویا جانی برای اعتراض باقی نماند.

با اینهمه، ما انتشاریجا و شایسته «بنیاد» را بزرگ می‌داریم، و امیدواریم پربار و استوار بپاید و در تبیین و تشریح و ارائه مسائل مربوط به تاریخ، تاریخ‌نگاری، و ارزیابی انقلاب اسلامی ایران و به نمایش گذاشتن ابعاد عظیم آن توفیق یابد. انشاءالله.



با اینکه دانش "نقد" در کشور ما سابقه درازی ندارد، آنچنان که اگر بگوییم هنوز تعریف درست و جامع و مانعی از "نقد" بدست نداده ایم، پر بیراه نگفته ایم - تعداد کتابهایی که در باره نقد و تعریف این دانش یا هنر که در این ملک نوشته و ترجمه شده است، شاید از تعداد انگشتان دستها تجاوز نکند. و اگر استخواندارها و ماندنی ها را بخواهیم بشماریم به تعداد انگشتان یک دست هم نرسیم.

با اینهمه این ساده ترین اصل نقد نویسی منصفانه را نیز هر چه مکتب - بدون اینکه "نقد ادبی" یا "نقد تفسیری" و از این نوع را خوانده باشد - می داند که جدا کردن سره از ناسره و نیک و درست از بد و نادرست، اولین و ابتدائی ترین اصل نقد نویسی است. مثلا "مجله حوزه" - مجله ای که با همت برادران جوان طلبه دانشمند در قم منتشر می شود - در ظریف ترین شکل ممکن عیب هامن را شمرده است و راهنمایی کرده است اما کوشیده تا نکته های با ارزش و قابل تاییدی هم که بیاید تا کاملا "بر کارمان خط نکشیده باشد و بس" ادامه راه تشویقمان کرده باشد.

اما برادری در "کیهان فرهنگی" از همان ابتدا با دلیلی عجیب به این نتیجه رسیده است که برای نگاه کردن به "یاد" تنها یک "چشم" کافی است. باید بدینپاش را دید و به رخشان - یعنی ما - کشید تا عیبهاشان را بفهمند و ناتوانی هاشان را باور کنند دریابند که "خرمن کوفتن" کار هر ... نیست.

با اینهمه بزرگوارانه نزدیک به دو صفحه مجله وزینشان را به ما اختصاص داده اند که هر چه گفته اند لطف می دانیم و محبت و توجه. فقط آرزو مندیم و استدعا می کنیم که حضرت "منتقد" یکبار دیگر نقد خودشان را بخوانند و به نقد "حوزه" هم - که باز دو صفحه بسه "یاد" بخشیده است - نظری - بیفکنند و اگر فرصتش را یافتند مقایسه ای بکنند، شاید برای خودشان بی ضرر نباشد.

در ضمن این را هم ناگفته نگذارم که در سر مقاله سخن از مؤسسين "بنیاد تاریخ" ... است نه "یاد". و از تازیانه خوردگان مقصودمان بزرگانی است که جمهوری اسلامی را اداره می کنند، نه ما که اگر تازیانه ای هم خورده ایم برای خدا و دین پیامبرش و ارزشهای - اسلامی بوده است، و اگر جز این، تنبیهی بوده است که حقان بوده است و در هر صورت - چه به دلیل اول و چه به بی دلیلی دوم، از هیچ کس و هیچ جا طلبی نداریم. بگذریم. از "اطلاعات"، "کیهان"، "مجله فیلم"، "سروش" ... و هر که یادی از "یاد" کرده است متشکریم و قضاوت را به ناقدین و روشنفکران و خوانندگان عزیز و جستجوگر و راهشناس و راهنما، می سپاریم.

"همین"



پیمان جلیغی